

حسن روحانی:

هیچ چیز بدتر از یاس نیست

● **شرق:** حسن روحانی در مراسم افطاری با خانواده شهدا و ایثارگران با اشاره به اینکه خشنودی بسیار مهم است، گفت: «شما در پیشگاه خداوند مقام خاص و ویژه‌ای دارید و ما هم اگر کاری برای شما انجام داده‌ایم با بدهیم، ذره بسیار کوچکی در برابر کار بزرگی است که شما خانواده‌ها انجام دادید. حالا آدم در ماه رمضان روزه می‌گیرد، اما به جای اینکه خدای نکرده ته دلش بگوید چرا این قدر طولانی است، چرا شب نمی‌شود، بهتر است بگوید خدايا شكرت كه به من سلامتي دادی، شكرت كه برای سلامت جسمم و جانم روزه را مقرر كردی...» روحانی افزود: «در ماه رمضان، نماز صبح خواندن آسان است؛ چون فرد سحر بیدار است، اما غیر ماه رمضان وقتی می‌خواهد برای نماز صبح بیدار شود، ته دلش می‌گوید نماز صبح را با عصر و ظهر باهم قرار می‌دای درحالی‌که آنهایی پیش خدا خیلی مقرب هستند که وظیفه را انجام می‌دهند و خشنود هم هستند. از نمازشان از روزه‌شان، جیششان، ذکات و خمسشان خشنود هستند.» روحانی گفت: «صبری بسیار ارزشمند است که در برابر سختی‌ها و فشارها باشد. آدم‌های صابر در پیشگاه خداوند اجر و مزدشان به غیر حساب است. هیچ ماشین حسابی نمی‌تواند محاسبه‌شان کند. خدا رحمت کند مرحوم آقای بهجت را گاهی وقت‌ها می‌قم نزد او مشرف می‌شدیم به من می‌گفت که به این آیه توجه کن «اِحْرَمَ به غیر حساب...» جزء آنهایی باشید که خدا اجر بی‌پایان به شما می‌دهد». حسن روحانی افزود: «واقعاً آدم در برابر این خانواده‌های عزیز احساس کوچکی می‌کند. جقدر عزیز و بزرگاند. ۳۰ سال است که عزیزی جانباز شده است. جانباز نخواستن روی تخت است، موشرش با افتخار خود او خدمت می‌کند. کار آن همسر و صبر جانباز و خانواده‌اش طبق آنچه خدا می‌گوید به غیر حساب است.» روحانی افزود: «اگر ایثار نبود ختماً بدایت انقلاب پیروز نمی‌شد. ما در برابر توطئه جهانی در هشت سال دفاع مقدس پیروز نمی‌شدیم.» روحانی با اشاره به اینکه ماه رمضان با عبادت است، افزود: «همه آرزوی ما این است که پایان ماه رمضان جزء سعادت‌مندان باشیم و خدا از گناه ما گذشته باشد. اینکه قرآن مجید می‌گوید پیامبر به بندگان من بگو از رحمت من مایوس نشكون براي همین است. هیچ چیزی بدتر از یاس نیست؛ یاس از رحمت خداوند. اگر خدای‌نکرده آدمی بدترین گناه را انجام داده باشد، اگر مایوس از رحمت خدا باشد گناه اضافه انجام داده است. ما همیشه باید به خدا امیدوار باشیم.» روحانی با اشاره به اینکه ماه رمضان و عبادت ما را برای انجام وظایف در برابر رسالت‌هایی که خدا بر دوش ما گذاشته است، آماده‌تر می‌کند، افزود: «برای کشور ما برای دین ما و برای عزت ما، راه شهادت باز است. بعضی فکر می‌کردند بعد از جنگ هشت‌ساله این باب شهادت به روی مردم ما بسته شده است. نه، باب شهادت باز است. مانند همه این عزیزانی که سر مرز هستند، نیروهای بسیج و سپاه، ارتش و نیروی نظامی، آنهایی که در مسیر علم هسته‌ای بودند و شهید شدند، اینهایی که برای دفاع از حرم رفتند و شهید شدند. این عزیزان ما که در کنار مجلس شورای اسلامی با حرم امام در همین روزهای اخیر به شهادت رسیدند.»

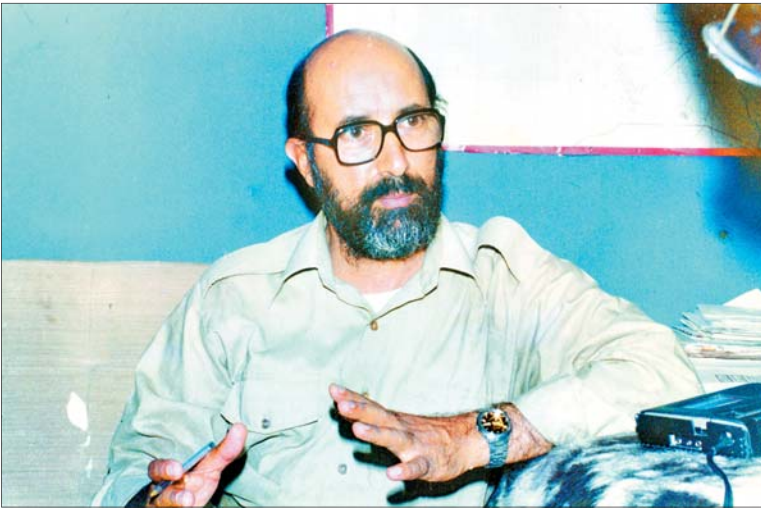
واکنش یک مقام اسرائیلی به حمله موشکی ایران

● **ایسنا:** رئیس ستاد مشترک ارتش رژیم صهیونیستی اذعان کرد که حمله موشکی ایران به مواضع داعش در سوریه حامل این پیام برای جهان است که این کشور آمادگی استفاده از موشک‌های بالستیک را دارد. به نوشته روزنامه «تایمز»آواسرائیل، «گادی آیزنکوت تلاش کرد تا از اهمیت استفاده ایران از موشک‌های بالستیک در سوریه بکاهد و دقت این موشک‌ها را زیر سؤال ببرد. او مدعی شد تنها یک یا دو تا از این شش موشک شلیک‌شده به هدف مورد نظر اصابت کرده است و باین حال اذعان کرد که این موشک‌ها حامل پیام آمادگی ایران برای استفاده از موشک‌های بالستیکش به جهان است.

جنوب شرقی سوریه جدیدترین نقطه بحران در منطقه

به موازات تضعیف کنترل ترامپ بر امور، مواضع او در حمله دربار و بعد از آن از جمله درباره تمرکز صرف بر تروریسم و همکاری با روسیه و حتی دولت سوریه برای این منظور در صورت لزوم، در چند ماه اخیر به‌تدریج رنگ باخته؛ این موضوع می‌تواند حاکی از آن باشد که رویه سنتی نخبگان سیاست خارجی آمریکا مجدداً دست بالا را یافته و هم‌زمان حنای عناصر افراطی نزدیک به ترامپ در کاخ نیز دیگر رنگ سابق را ندارد. البته، صرف‌نظر از اینکه درگیری‌های یقی، دو ماه گذشته در شرق سوریه حاصل تصمیم‌های تاکتیکی است یا از یک استراتژی مشخص نشئت گرفته، ضروری است که با توجه به نزدیکی خطوط نیروهای مختلف در جنوب شرقی سوریه، خطر برخورد‌های ناخواسته و تصادفی نیز مدنظر باشد.

چمران، چهره‌ای که دوگانه خوانده می‌شود



مدرسه صور علاوه بر دروس فنی، مباحث ایدئولوژیک را هم طرح می‌کرد؛ همین باعث شد تا مخاطبان زیادی را به خود جذب کند. او با همکاری امام موسی صدر جنبش امل را که شاخه نظامی حرکت‌المحرومین بوده است، تأسیس می‌کند. مسئولیت جنبش امل بعد از

مفقودشدن امام موسی صدر و رفتن چمران به ایران می‌گردد، اگرچه در جواب بازمی‌ماند؛ چریک بیروت و صور و فرمانده جنگ‌های نامنظم را مرد دیپلماسی و مذاکره نشان می‌دهد، آن‌هم در در پرحرف و حدیث‌ترین مقطع زندگی چمران یعنی در پناه.

چهره‌ای درگیردوئیت

آنچه روشن است، این است که چمران در همان مقطع حیات هم گرفتار این دوئیت می‌شود. اگرچه او از درون هم متلاطم به نظر می‌رسیده است. سؤالاتی که در خلوتش به ذهنش راه می‌یافته و گاه آنها را به زبان نوشتار هم درآورده است؛ سؤالاتی که تم عارفانه و گاه فلسفی داشته‌اند و از خدایی پرسیده شده‌اند که چمران آن را در این یادداشت‌ها به عاشقانه‌ترین شکل ممکن به تصویر کشیده است.

چمران از وقتی به ایران بازمی‌گردد و به خدمت دولت موقت درمی‌آید، تا روزی که به شهادت می‌رسد، در مواجهه با این دوئیت است. در روزگار چپ‌زده اوایل انقلاب، به دلیل ارتباطش با مرحوم بازرگان و حضورش در دولت موقت و البته حیاتش در آمریکا و عضویتش در نهضت، حامی امپریالیسم خوانده می‌شود و فحش می‌خورد... سرآغاز این کشمکش پرحرف و حدیث برای چمران، از کلاس‌های درس مهدی بازرگان در دانشگاه تهران آغاز می‌شود و با حضور در شرکت ساختمانی ۱۱ استاد اخراجی این دانشگاه، با چهره‌های دیگری مانند

مهندس سبحانی نیز آشنا می‌شود.

حضور در آمریکا

چمران از بورسیه دولتی شاگردممتازهای دانشگاه تهران استفاده کرده و برای ادامه تحصیل، وارد آمریکا می‌شود. از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۲ را در آمریکا سپری کرد و دکترای گرفت. چمران در مدتی که در آمریکا حضور دارد، فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه می‌دهد که ازجمله آنها عضویت در انجمن‌اسلامی دانشجویان آمریکا و کاناداست و در آنجا هم با محمد هاشمی آشنا می‌شود. محمد هاشمی در روایتی که به تأسیس این انجمن اشاره داشته، می‌گوید: «... تصمیم بر آن شد تا تشکیلاتی اسلامی به وجود آوریم. بنا بر این تصمیم، نامه‌ای برای آیت‌الله بهشتی فرستادم تا برای نمایندگی انجمن‌اسلامی در آمریکا اقداماتی صورت پذیرد. ایشان به‌سرعت جواب دادند و اسامی چند نفر که گمان می‌کردند می‌توانند در این انجمن مؤثر باشند نیز به همراه نامه برای من ارسال کردند؛ از جمله اسامی مصطفی چمران، ابراهیم یزدی، فیروز پروتوما، محمد روغنی‌زاده، بهرام آریایی و محمد ایزدی. من تمام این افراد را برای برپایی یک انجمن اسلامی در دانشگاه برکلی دعوت کردم. بعد از این جلسه در سال ۱۳۴۹، هسته اولیه انجمن‌اسلامی فارسی‌زبانان دانشگاه‌های آمریکا و کانادا شکل گرفت.»

چمران در آمریکا، عاشق زنی به نام تامسن می‌شود و با او ازدواج می‌کند. تامسن مسلمان می‌شود و نامش را به پروانه تغییر می‌دهد. حاصل این ازدواج، سه فرزند است که یکی از آنها در کودکی در استخر خانه پدری همسر مصطفی غرق می‌شود و او سوگواره‌ای هم در همین ارتباط دارد. از دو فرزند دیگر اطلاع دقیقی نیست. منابع اینترنتی می‌گویند که یکی در شرکت صنایع چوب و دیگری در آتش‌نشانی در آمریکا فعالیت دارد. ازدواج با تامسن با عشق انجام می‌گیرد؛ اما با عشق خاتمه پیدا نمی‌کند. زندگی چریکی مصطفی او را وا می‌دارد تا همسر و فرزندانش را ترک کند. چمران بعد از ماجرای جنگ ۱۹۶۷ اسرائیل، تصمیم به ترک آمریکا می‌گیرد؛ برای احیای هویت اسلام و اعرابی که به گفته او در این جنگ دچار سرشکستی شده بودند. تامسن به همراه سه فرزندش هم او را همراهی می‌کنند؛ اما زندگی آنها دوام نمی‌آورد. ظاهراً تامسن اول با مصطفی به مصر و بعد به لبنان می‌رود؛ اما شرایط جنگی لبنان و فعالیت چریکی مصطفی او را وادار می‌کند که به همراه سه فرزندش به آمریکا بازگردد.

شکل‌گیری زندگی چریکی

زندگی چریکی چمران از مصر و لبنان کلید می‌خورد. در مصر مدت دو سال، در زمان عبدالناصر، سخت‌ترین دوره‌های چریکی و جنگ‌های پارتیزانی را می‌آموزد. سپس مصر را به مقصد لبنان ترک می‌کند تا بتواند پایگاه آموزش فعالیت‌های چریکی را برای مبارزان ایرانی ایجاد کند.

چمران در لبنان از دوستان و نزدیکان امام موسی صدر می‌شود. باعث این ارتباط هم مهدی بازرگان است. سال ۱۳۵۰ امام موسی صدر سفری به ایران دارد و در ملاقاتش با بازرگان، می‌گوید برای اداره مدرسه فنی صور، یک مهندس احتیاج دارد و بازرگان، مصطفی را معرفی می‌کند و این چنین می‌شود که چمران آمریکا را به قصد لبنان ترک می‌کند.

چمران در لبنان به همراه امام موسی صدر از بانیان تأسیس حرکت المحرومین بود که در راستای تقویت و حمایت شعیبان لبنان ایجاد شده بود. چمران در

سیاست

تجزیه‌طلبی‌های اوایل انقلاب و البته جنگ ایران و عراق نتوانسته بود به ماجراهای سیاسی نهضت وارد شود و همین ادامه حضورش در سمت‌هایی که امام خمینی برای او تعریف کرده بود، بیشتر به این پرسشش دامن می‌زد که «چمران بازرگان یا چمران خمینی».

مخالفت‌های خسته‌کننده

چمران به تاریخ اردیبهشت ۵۹ با حکم امام خمینی به سمت مشاور شورای‌عالی دفاع ملی منصوب شد و با شروع جنگ از مجلس راهی خوزستان شد و آنجا یعنی در اهواز ستاد جنگ‌های نامنظم را ایجاد کرد. دلیل هم واضح است؛ استفاده از تجربه‌اش در فعالیت‌های چریکی. چمران در جریان مواجهه با نیروهای عراقی که قصد تسخیر سوسنگرد را داشتند، زخمی می‌شود و به اهواز می‌آید. در شهر اهواز مصطفی پس از یک روز بستری‌شدن در بیمارستان به ستاد جنگ‌های نامنظم رفت تا عملیات را هدایت کند. در ادامه مخالفت‌ها و موافقت‌ها با چمران، او در فشار قرار می‌گیرد تا ستاد را منحل کند.

علی‌اصغر غروی، از اعضای نهضت آزادی در روایتی از روزهای آخر چمران در یادداشتی که در اختیار سایت تاریخ ایرانی قرار داده این‌گونه توضیح داده است: «در عملیات سوسنگرد به پای چمران تیر خورد و مجروح شد، اما بعد از مدتی دوباره از بیمارستان راهی جبهه شد. هر بار که ما تلفنی صحبت می‌کردیم، او به وضعی که برای او پیش آورده‌ان و می‌آوردند، اظهار خستگی و ملالت روحی می‌کرد. چمران شکایت می‌کرد که اینها کارشکنی می‌کنند و نمی‌گذارند که از مهمات و اسلحه‌هایی که خودمان تهیه کردیم، استفاده کنیم... من به مرحوم چمران گفتم که شما با این‌همه خستگی و کارشکنی که معتقدید آنجا هست، دیگر برنگردید؛ چراکه من شنیده‌ام که امام خمینی هم مایل‌اند که شما رئیس‌جمهور شوید. چمران گریه کرد و گفت که من مرگم را از خدا خواسته‌ام... و می‌دانم که این سفر آخر من است. چمران گفت: می‌روم که برنگردم.»

چمران ۳۱ خرداد ۶۰، هنگام معرفی و توجیه فرمانده جدید محور دهلویه به جای «ایرج رستمی»، در خط مقدم نبرد، بر اثر اصابت ترکش خمپاره ۶۰ دشمین از ناحیه پشت سر زخمی شد. برای درمان او را به اهواز رساندند، اما کارگر نفتداد و همان‌جا به شهادت رسید. البته در نحوه شهادت چمران هم تردیدهایی وجود دارد؛ نحوه اصابت ترکش از پشت سر. ۳۶ سال از عروج چمران می‌گذرد و در تمام این سال‌ها بیش از پیش بر وجه‌های از چمران تأکید شده که مورد تأیید قرائت رسمی است.

برابر نظام تازه‌تأسیس هم ابراز نگرانی کرده بود.

عضویت در نهضت

چمران را به واسطه عضویتش در نهضت آزادی، امپریالیست و آمریکایی هم خواندند؛ اگرچه اسناد معتبری از این عضویت خبر می‌دهد؛ اما این جریان در سال‌های اخیر سعی کرده تا این هویت را مخدوش کند. ولایتی در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که: «شهید چمران عضو نهضت آزادی بود؛ اما بعداً از اینها جدا شد. شهید چمران جزء حکومتی‌ها بود و وقتی دید اینها منتقد حکومت و حضرت امام و نظام شدند، از اینها جدا شد و در سمت امام ماند...». چمران اما از اعضای هیئت مؤسس نهضت آزادی در خارج از کشور به شمار می‌رود. او با فهرست نهضت آزادی راهی مجلس می‌شود.

دکتر یزدی حتی تعریف کرده است که بعد از انتخابات مجلس اول، فهرستی را بر دیوارهای مجلس زده بودند که حامیان آمریکا باید اعدام شوند. از بازرگان تا یزدی و آن وسط نام چمران هم دیده می‌شد؛ اما بعد از شهادتش، نام او را در آن فهرست سیاه کردند. یزدی درباره عضویت چمران در نهضت می‌گوید: «... چمران عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران و عضو هیئت امنای روزنامه میزان به نام محک بود. چمران تمام صورت‌جلسات محک را امضا کرده است. ایشان به‌عنوان عضو شورای‌عالی دفاع به جبهه رفت». همچنین در آرشو نهضت، آخرین سخنرانی چمران درباره گزارش از وضعیت جنگ وجود دارد، به تاریخ و شماره. چمران ظاهراً به دلیل مشغول‌شدن به ماجرای خودمختاری و

خلق و خوی چمران



ابوالفضل بازرگان

● در توصیف حضرت علی(ع) می‌گویند در روز رزمنده و در شب، عابد بود؛ شهید چمران هم به جهان و مخلوقات آن عشق می‌ورزید و انسان بامحبت و اهل مهربانی اما در حوزه مبارزه و میدان جنگ، فردی جدی و در مقطع صلح، فردی اندیشمند و متواضع و ملایم بود. اینها با یکدیگر در تعارض نیست چون هرکدام در جای خود ارزشمند است. بحثی مطرح می‌شود که برخی می‌گویند ایشان از مقطعی از نهضت آزادی جدا شد، اگر چنین موضوعی مطرح است، چنین نبوده؛ ایشان زمانی که وارد موضوع جنگ شد، فراجزبی عمل می‌کرد و آنچه برای دفاع از کشور لازم بود انجام داد. ایشان در آن مقطع برای مصلحت حضور در جبهه، گرایش‌ها و تعلقات را موقتاً به حالت تعلیق درآورد. دکتر چمران با وجود همه محسباتی که داشت، بسیار فروتن و درعین‌حال، اهل گفت‌وگو با همه طرف‌ها و سلیقه‌ها بود. دوستی نقل می‌کرد معلمی در خوزستان بوده که پیش از انقلاب، ارتباطات‌هایی با ساواک داشته است و بعد از انقلاب، پاک‌سازی شده بود. او به شهید چمران مراجعه می‌کند و ایشان فردی را واسطه می‌کند تا با شهید رجایی به‌عنوان وزیر آموزش و پرورش وقت مذاکره کند؛ گویا شهید رجایی پاسخ داده که با جوی که وجود دارد چه باید کرد؟ شهید چمران می‌گوید از قول من به آقای رجایی بگویند اگر کار برای خداست، نباید نگران واکنش مردم باشیم. شهید دکتر چمران و برخی دیگر از بزرگان، ویژگی‌هایی داشتند که مقابل هیجان‌ها، صبر و تحمل پیشه می‌کردند؛ برای نمونه مرحوم دکتر سبحانی از طرف نخست‌وزیری، گروهی تشکیل می‌دهند برای بررسی طرح‌های انقلاب و با وجود انتقادهایی که از این اقدام شد و آن را مغایر با فضای انقلابی می‌دانستند، کار خود را انجام دادند. بعدها هم برخی از این طرح‌ها دنبال شد و به نتیجه رسید. کسی که بی‌نیاز از بسیاری از مسائل دنیوی و مادی باشد، نفع درازمدت را می‌بیند و خود را برای مصالح کشور، هزینه می‌کند. این ویژگی شهید چمران و بزرگان دیگر بود.



یک ماه تمام میهمانت بودیم یک روزبه مهمانی این خانه بیا

روابط عمومی: ۰۶۸۸۱۰۳۸۸ # ۰۳ * ۰۶ * ۰۷ *
کمک‌های مردمی: ۰۴۲۱۱۴ # ۰۱ * ۰۱۰۰ * ۰۷۳۳ *
www.kahrizak.com ۰۴۳۲۱ * ۰۷۸۰ *
@kahrizakcharity ۰۴۲۱۱۴ * ۰۷۸۰ *



موسسه خیریه کهریزک
مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی